

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه انسان

استاد ضرابی

جلسه ششم ۱۴۰۳/۹/۲۶

آیات شریفه: «فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۱۱) وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲) مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳) وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَقْطُوفُهَا تَذِيلًا (۱۴) وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِانِّيَّةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵) قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶) وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (۱۷) عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸) وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا (۱۹) وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا (۲۰) عَلَيْهِمْ نِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَخُلُوعًا أَسَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)» پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت (۱۱) و به [پاس] آنکه صبر کردند بهشت و پرنیان پاداششان داد (۱۲) در آن [بهشت] بر تختها [ی خویش] تکیه زنند در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمای (۱۳) و سایه ها [ی درختان] به آنان نزدیک است و میوه هایش [برای چیدن] رام (۱۴) و ظروف سیمین و جام های بلورین پیرامون آنان گردانده می شود (۱۵) جام هایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آنها را از کار در آورده اند (۱۶) و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند (۱۷) از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود (۱۸) و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می گردند چون آنها را ببینی گویی که مرواریدهایی پراکنده اند (۱۹) و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می بینی (۲۰) [بهشتیان را] جامه های ابریشمی سبز و دیبای ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده ای پاک به آنان می نوشاند (۲۱) این [پاداش] برای شماست و کوشش شما مقبول افتاده است (۲۲)»

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم...!

«فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا...»: در درک رابطه میان عمل و جزای آن ، با واقعیت های شگفت انگیزی مواجه می شویم؛ رابطه ظاهر و باطن عمل بر اساس قاعده «الجزاء نفس العمل»، بسیار شگفت انگیز است؛ «وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (پس/۵۴) و جز آنچه را عمل می کردید جزا داده نمی شوید. که از آن به تجسیم یا تجسم اعمال تعبیر می شود. (طالقانی، محمد نعیم، منهج الرشاد فی معرفة المعاد، ج ۳، ص ۱۴۰ - ۱۴۷) از ثمرات این سنت الهی این است که روز قیامت کوچکترین ظلمی نسبت به کسی نمی شود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۰۰)

اعمال انسان ها، یک صورت دنیوی دارد، و یک صورت اخروی، که به عنوان جان عمل در دل آن عمل نهفته است.

از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ خَلْفًا فَيُلْقَاهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَيَقُولُ لَهُ أُبَشِّرْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِكَرَامَةِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِ مِنْهُ ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ حَتَّى يَدْخُلَ قَبْرَهُ فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِذَا بُعِثَ تَلْقَاهُ فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَلَا يَزَالُ مَعَهُ فِي كُلِّ هَوَلٍ يُبَشِّرُهُ وَ يَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ

فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتُ عَلَى فُلَانٍ» (کوفی اهوازی، حسین بن سعید، المؤمن، ص ۵۱) هر کس که مؤمنی را خوش حال کند، خداوند از آن خوش حالی مخلوقی را می‌آفریند که آن شخص هنگام مرگ با آن مخلوق ملاقات می‌کند و آن مخلوق به او می‌گوید: ای ولی خدا به کرامت الهی و رضوانش تو را بشارت می‌دهم. آن مخلوق او را همچنان همراهی می‌کند تا این‌که او را وارد قبر کنند. وقتی که او را وارد قبر کردند نیز همین سخنان را به او می‌گویند. وقتی که مبعوث شد نیز همین جملات را برای بار چندم به او خواهد گفت. او در همه مراحل و احوال قیامت همراهش خواهد بود و او را بشارت خواهد داد. مؤمن از او می‌پرسد: خدا تو را رحمت کند، تو که هستی؟ او هم جواب می‌دهد: من آن خوش حالی هستم که به قلب فلان مؤمن وارد ساختی»

هر آنچه آن هست بالقوه در این دار
بفعل آید در آن عالم بیکبار
به عادت حالها با خوی گردد
به مدت میوه ها خوشبوی گردد

از این روایت فهمیده می‌شود خداوند حقیقت گناهان و اعمال خیر را از مردم مخفی نگه داشته، تا زمینه امتحان تحقق پیدا کند؛ اگر چنانچه به مجرد انجام عمل، ثواب یا عقاب آن داده می‌شود، کسی جرأت بر گناه نمی‌کرد و یا به خاطر به دست آوردن ثواب، همه نسبت به کار خیر رغبت می‌کردند؛ در نتیجه این قوه قهریه اختیار را از بین می‌برد.

بنابراین اگر درک حقیقت اعمال در دنیا برای همه امکان پذیر بود، دیگر قدرت انتخاب معنا نداشت. (اگرچه آثار اعمال قابل درک است؛ مانند طول عمر و ازدیاد روزی برای کسی که صله رحم انجام می‌دهد، یا کوتاهی عمر و کاهش روزی و زیاد شدن مصیبت‌ها و بلاها به خاطر انجام برخی از گناهان). از این رو در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِنُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى * فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا» (طه ۱۵-۱۶) آن ساعت (قیامت و تحول عظیم و رستاخیز بزرگ) بی‌گمان در زمان خود خواهد رسید و من زمان این واقعه عظیم را پنهان داشته‌ام تا نفوس آدمیان هر یک به حاصل تلاش و کوشش خود جزا یابند. پس (ای رسول) رد و انکار مردمان تو را از توجه به آن ساعت غافل نگردانند.

بد میکنی و نیک طمع می داری
همه بد باشد سزای بدکاری
با اینکه خداوند کریم است و رحیم
گندم ندهد بار، چو جو میکاری
اگر آینده برای انسان معلوم شود زندگی او آشفته و مضطرب خواهد شد. و اگر نداند مثلاً کی و در کدام سرزمین می‌میرد و پس از آن چه بر سر او چه خواهد آمد، این نداستن سبب می‌شود، قوه تخیل به کار افتاده، هنرهای بسیاری خلق کند. وقتی آگاهی کامل نباشد هزاران سؤال در ذهن ایجاد می‌شود، و در جستجوی یافتن پاسخ، هزار اندیشه نو به ذهن خطور می‌کند.

آنان که در جستجوی یافتن حقیقت اعمال بر می‌آیند و لوازم درک آن را از مجاهدت‌های علمی و عملی در خود فراهم می‌کنند. از ظواهر پدیده‌ها راهی به جان و حقیقت آنها به رویشان گشوده می‌شود. به طوری که درمی‌یابند وقتی خداوند می‌فرماید: «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا»، چگونه باطن صبر و استقامت که سختی و مشقت دارد، جنت و حریر است؛ همان‌گونه که رفع نقایص و کاستی‌ها و کجی‌ها، زیبایی و جمال را آشکار می‌کند، جلال الهی نیز پرده‌ای افکنده شده بر روی جمال زیبای معشوق ازلی است، اجازه نمی‌دهد با وجود آنچه سزاوار و لایق نیست، جمال او آشکار شود.

گر مراقب باشی و بیدار تو
هر دمی بینی جزای کارتو
همچنین درمی‌یابد وقتی پروردگار عالمیان می‌فرماید: «مُتَكَيِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا»، چگونه تکیه بر خداوند داشتن در سرد و گرم زندگی، جان و حقیقتش، تکیه زدن بر تخته‌هایی در بهشت است که در آن نه سوزش آفتابی را می‌بیند و نه گزش سرمایی را. همان‌گونه که وقتی که ربّ

رؤوف می‌فرماید: « وَدَانِيَّةٌ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا »، درمی‌یابد آنگاه که در گرمای طاقت‌فرسا آسایش و طعام و شراب را از خود دریغ می‌کردند تا رضای حق را در خدمت رسانی به بندگان او، تامین کنند، جان و حقیقتش، برخورداری از سایه‌ساران درختان بهشتی و میوه‌های آن است که نزدیک در دسترس برای چیدن است. سالک و مجاهد راه حق، در خواهد یافت که وقتی خدای متعال می‌فرماید: « وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِأَنِيَّةٍ مِنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا * قَوَارِيرٍ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا * وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا * عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا »، یعنی پس از مرگ تا ابد از برکات و مراتب تجلیات ظروف زمانی و مکانی یا موقعیت‌هایی که در دنیا برای بندگی و عبادت خدا از آنها سود برده است بهره خواهد برد.

مرتبه‌ای از ظهور برکات آن اینک به صورت ظروف سیمین و جام‌های بلورین درآمده که پیرامون بهشتیان گردانده می‌شود و نیز جام‌هایی که از سیم و زر اخروی درست شده، در کمال ظرافت درآمده‌اند و جام‌هایی که بهشتیان از آن می‌نوشند و نیز طعم آن که آمیزه از زنجبیل دارد و از چشمه‌ای به نام سلسبیل می‌جوشد، همه و همه از ابعاد بهشت درون مومن است که آشکار گردیده. همچنین حکایت پسرانی که قرآن وصف نموده: « وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا » که چون مرواریدهایی گرداگرد بهشتیان می‌گردند، در نظر حقیقت بین سالکان طریق حق، جدا از حقیقت وجود انسان نبوده، مانند فرزندان او در دنیا، امتداد وجود او محسوب می‌شوند. لکن نه از طریق عمل نکاح معهود در نزد عرف مردم؛ بلکه هر عملی نیکی که در آخرت به صورت موجودی زنده ظهور می‌یابد؛ چراکه در آخرت همه چیز زنده است و متناسب با هر نشئه‌ای چهره‌ای و صورتی دارد.

ناخوش و خوش هر چه آید از خود است

از تو رشته است ارنکو بست از بداست

هیچ خدمت نیست مانند عطا

لیک نبود فعل همرنگ جزا

مرغ جنت ساختش رب الفلق

چون پرید از دهانش حمد حق

جا دارد روزها و شب‌ها در اسرار چینن نظامی شگفت انگیز تدبیر و اندیشه شود و با چشم آخرت بین، از ماهیت و حقیقت سرزمین‌های پهناور و جامه‌های ابریشمی سبز و دیباج و دستبندهایی که بهشتیان در دست دارند و نیز شراب طهوری که از لطف مهر و محبت پروردگارشان می‌نوشند و نعمت‌های دیگر گفتگو شود و در باره رابطه آنها بلکه عینیت و اتحاد آنها با وجود مؤمنین پرسش‌هایی مطرح گردد: « وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا * عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُدُوسٌ خُضِرَ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا » البته آنچه ذهن و دیده بصیر، می‌تواند از یک حقیقت تصور کند، تنها مراتبی از آن است که تاکنون در لباس وجود دیده شده است، لکن خداوند از همان حقیقت، مراتب بی‌نهایتی را خلق نموده و باز هم می‌آفریند، که خارج از ادراک بندگان است و تا نبینند و به آن نرسند، نمی‌توانند تصور درستی از آن داشته باشند.

جان تو در آسمان جولان کنیست

حد جسمت یک دو گز خود بیش نیست

روح را اندر تصور نیم گام

تا به بغداد و سمرقند ای همام

بنابر این ممکن است گفته شود همانطور که در دنیا، زمین و آسمان شرح و تفصیل وجود انسان است و اگر خوب بنگریم، همه آنچه در دنیا از زمین و آسمان است، در وجود خود می‌بینیم؛ در جهانی فراتر از عالم طبیعت نیز اگر روح مجرد بخواد شرح و تفصیل وجود خود را در آخرت به صورت زمین و آسمانی فراتر از زمین و آسمان دنیا مشاهده کند، یقیناً نمادهای دنیایی و مادی که تاکنون دیده است، دیگر قادر به توضیح آن نخواهد بود. تنها می‌توان گفت این عظمتی است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و این جزا و پاداش تلاشی است که مورد قبول پروردگار واقع گردیده است و از سوی جمال و جلال خداوندگار عالمیان مرحمت گردیده است: « إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا »

ای بیخبر زلذت شرب مدام ما
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

صلی الله علی محمد و آله